

سلام کودکانه

من در س می‌خوانم

امسال درس و مدرسه با سال‌های پیش فرق دارد. تعدادمان از هر سال در کلاس کمتر است. در مدرسه باید بیشتر از همیشه، نکات بهداشتی را رعایت کنیم. اصلاً نباید هیچ وسیله‌ای از دوستانمان بگیریم و نباید هیچ وسیله‌ای هم به دوستانمان بدهیم. ما روزها و ساعت‌های کمتری به مدرسه می‌رویم اما این دلیل نمی‌شود که به اندازه سال‌های پیش درس نخوانیم.

من امسال درس‌هایم را خیلی خوب می‌خوانم چرا که می‌خواهم نتیجه خوبی بگیرم.



ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
۲۰۰۰۹۹۹

خبر خبر

این آبنبات شیرین تقدیم شما

دوستان خوب فرفره؛ روزنامه خراسان هر هفته روزهای چهارشنبه ضمیمه «آبنبات» را برای کودکان ۵ تا ۱۲ ساله منتشر می‌کند. در ضمیمه آبنبات در کنار شعر و داستان‌های متنوع، دانستنی‌هایی جالب برای شما داریم. آموزش کاردستی‌های جذاب، معرفی بازی و سرگرمی‌های متنوع از دیگر بخش‌های این ضمیمه است. از آن جایی که در آبنبات می‌توانیم در ۲۸ صفحه در کنار شما باشیم، تصمیم گرفتیم به جای فرفره، از هفته آینده در روزهای فرد در صفحه آخر زندگی‌سلام، صفحه متفاوتی برای مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌های شما داشته باشیم. برای همین این آخرین شماره فرفره است.

راستی اگر ضمیمه آبنبات در شهر شما توزیع نمی‌شود، نگران نباشید شما می‌توانید همه مطالب جذاب آن را در سایت روزنامه خراسان ببینید و بخوانید.



تصویرسازی ها: سعید مرادی

شعر

فکر مورچه کوچولو

مورچه کوچولو داره
راه می‌ره توی دستم
یواش یواش قدم زد
اومد تا روی دستم

چی کار داره خدایا؟
دلم می‌خواد بدونم
کاشکی که می‌تونستم
فکر اونو بخونم

یه دفعه‌ای گاز گرفت
دستمو با دندوناش
با جیغ من فرار کرد
پیش مامان و باباش

شاعر:
طاهره اکرمی



شما فرستادید

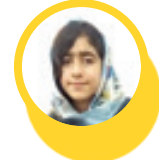
جایزه اسب کوچولو

امروز در شهر اسب‌ها، مسابقه لیخند برگزار می‌شد. معلم کلاس اسب کوچولو به دانش‌آموزانش گفته بود که هر کس بتواند مسابقه لیخند را برود، جایزه خوبی می‌گیرد. به این خاطر، اسب کوچولو تصمیم گرفته بود هر طور که هست برنده شود. اسب کوچولو خیلی کنجکاو بود بداند که جایزه مسابقه چه چیزی است؟! کسی که می‌توانست اسب‌های بیشتری را بخنداند، برنده مسابقه می‌شد. اسب کوچولو به فکر فرو رفت و با خودش گفت: «حالا که کرونا ست، من باید به فکر یک راه‌حل باشم که چطور اسب‌ها را بیشتر بخندانم». وقت مسابقه فرا رسید. نوبت اسب کوچولو شد. همین که او شمش را روی صحنه گذاشت، سالن از خنده ترکید. انگار که یک بمب خنده منفجر شده بود. چون اسب کوچولو روی ماسک خود با مازیک یک خنده خیلی خیلی بزرگ دندانی کشیده بود. اسب کوچولو آن روز برنده شد.



او به معلمش گفت: «خانم معلم، حالا جایزه من چیه؟»
معلم گفت: «اسب کوچولو، جایزه اصلی تو همین بمب خنده‌ای بود که منفجر شد.» بعد معلم یک لیخند زد و یک کادو به اسب کوچولو داد.

داستان ارسالی از دوست خوب «فرفره»
هلنا بیژنی، ۱۰ ساله



دوستان خوبِ آثار شما به دست ما رسید

کوتر ابراهیمی ۶ ساله از چناران
ریحانه قهرمان زاده

فاطمه جهدی ۷ ساله از بیرجند
امیرحسین پیرنیا ۴ ساله

باتشکر از همه دوستانی که در این مدت ما را همراهی کردند، خدانه‌دار همه شما دوستان خوب «فرفره».

سرگرمی

جدول الفبا



قصه تصویری

من خیلی مفیدم



نویسنده: حسین مجاهد تصویرگر: سعید مرادی